

نگاهی به ۲حضور متفاوت آغامحمدخان در مشهد به مناسبت سالگرد مرگ او

مشهد و شاه اسیر

محمد ؛ اسیر عادل شاه



عادل شاه یا علی شاه، دومین پادشاه حکومت افشاری و برادرزاده نادرشاه بود. پس از قتل نادر در فوجان، برای رسیدن به سلطنت، تمامی زنان و بیشتر فرزندان نادر را از جمله زرافعلی میرزا و نصرا... میرزا به قتل رساند و تنها شاه‌رخ میرزا، فرزند زرافعلی را زنده نگه داشت.

استرابآدی را به مشهد می فرستد. بسیاری از منابع، اخته شدن نخستین شاه قاجار را به همین اسارت مربوط می دانند. می گویند عادل شاه ابتدا قصد داشت او را بکشد، اما به اخته کردنش بسنده کرد و به همین دلیل است که محمد را آقاء خوانده‌اند. برخی منابع البته علت اخته شدن را معاشقه او در سن پانزده‌سالگی با یکی از همسران عادل شاه در حرامسرای او در شهر مشهد دانسته‌اند که باتوجه‌به مرگ عادل‌شاه در خرداد ۱۲۲۸ خورشیدی، نمی تواند صحت داشته باشد.

به‌هر ترتیب دیری نمی‌پاید که عادل‌شاه را برادرش، ابراهیم‌شاه که حاکم اصفهان است، برکنار و دستگیر می‌کند و می‌کشد. اندکی پس از مرگ او، آغامحمد پیش خانواده خود بازمی‌گردد و با ماجراجویی‌های پدرش که در گرگان و مازندران و گیلان قدرت اصلی است، همراه می‌شود. او سپس اصفهان، تبریز و یزد را هم تصرف می‌کند و به نام خود سکه می‌زند. در همین دوره و در ۱۳۵ خورشیدی، آغامحمدخان به‌عنوان نایب پدر در تبریز حکومت می‌کند. در اواخر این سال، محمدحسن‌خان از اصفهان به‌سمت شیراز به راه می‌افتد و کریم‌خان را محاصره می‌کند، اما در طول چند ماه، سپاهش در تنگنا افتاده، مجبور به عقب‌نشینی می‌شود. کریم‌خان یکی از سرداران کارآمد خود به نام شیخ‌علی‌خان را به تعقیب او می‌فرستد. محمدحسن‌خان برای پناه گرفتن در استرآباد به‌سوی مازندران می‌رودودر وضعیت نامساعدی باسپاه‌زندروبه‌رومی‌شود و شکست می‌خورد. محمدحسن‌خان را در زمان فرار، محمدخان سوادکوهی، از بزرگان ایل قاجار، می‌کشد و آغامحمدخان نیز از بیم جانش می‌گریزد، اما محمدخان سوادکوهی محل اختفای او را می‌داند و دستگیرش می‌کند. کتاب ،خواجه تاج‌دار، نوشته ژان گور(ترجمه ذبیح... منصور)، ماجرای اخته شدن محمدخان را به همین جنگ مربوط می‌داند و آن را به ارتباط نامشروع دختر شیخ‌علی‌خان زند با محمدخان ربط می‌دهد: «محمدخان و مادرش -جیران- به اسارت درآمدند. شیخ‌علی‌خان زند خواست آغامحمدخان را همچو پدرش به قتل برساند ولی جیران مادرش زبان به التماس گشود و خواست که فرزندش را به قتل نرساند. شیخ‌علی‌خان زند مجازات خفیف‌تری برای تجاوزه به دخترش قائل شد و به دژخمید دستور داد او را عقیم نماید که مجازاتی معمول در آن تاریخ به‌حساب می‌آمده و این گونه افراد عملا با گوشه‌گیری از جامعه حذف می‌شدند. پس از اعمال این مجازات، آغامحمدخان و مادرش جیران آزاد شدند. این روایت نیز بعید به نظر می‌رسد، زیرا آغامحمدخان تازه بعد از اسارت است که به‌عنوان گروگان به دربار زند و شیراز راه پیدا می‌کند. با این تفاسیل او به‌احتمال فراوان در همان کودکی ودر شهرمشهدبه‌دست‌عادل‌شاه اخته شده است.

پرواضح‌است‌که‌بروزچنین‌اتفاقی‌برای‌محمدخان، سبب‌چهنفرت‌عظیمی‌در‌وجه‌او‌می‌شود،‌نفرتی‌بزرگ‌از‌خاندان‌افشار‌و‌شهر‌مشهد.

حسین بیات | تاریخ می گوید آغامحمدخان قاجار در طول حیات خود دو بار به مشهد می‌آید؛ نخست در کودکی و دوم در میان‌سالی. بار اول به‌عنوان اسیر و نوبت دوم به‌عنوان شاه فاتح ایران. علی‌قلی‌خان، برادرزاده نادر که شانزده روز پس از قتل او در تاریخ ۱۵ تیر ۱۲۲۶ خورشیدی با نام علی‌شاه(عادل‌شاه) تاج‌گذاری می‌کند، چندماه‌بعددر لشکرکشی‌به‌ترکمن صحرا با محمدحسن‌خان قوائلو که سودای شاهی دارد، می‌جنگد و او را شکست می‌دهد. بنا بر رسم افشاریان، علی‌شاه پسر شش‌ساله محمدحسن‌خان را به‌عنوان گروگان به مشهد می‌آورد. بار دوم اما آغامحمدخان به‌عنوان شاه ایران تاج‌گذاری کرده و تصمیم گرفته‌است خراسان را نیز به‌زمره تصرفاتش اضافه‌کند. امروز مصادف است با دوست‌و‌بیست‌وششمین سال‌مرگ(۲۸‌خرداد۱۲۷۶ خورشیدی) این‌شاه‌قاجار، این‌همین‌رونگاهی‌انداخته‌ایم‌به‌دو‌حضور‌متفاوت‌او‌در‌مشهد که بسیار سرنوشت‌ساز بوده‌است؛ یکی برای شخص او و دیگری برای شهر مشهد.

محمدخان؛ شاه ایران



شاه‌رخ میرزا چهارمین پادشاه دودمان افشاری، بزرگترین فرزند زرافعلی میرزا(ولیعهد نادر شاه) است. این تصویر که مجلس عروسی زرافعلی میرزا را کره کرده، نمای منحصر به فرد از رونق و زیبایی عمارت چهارباغ مشهد را هم به رخ می‌کشد، همان جایی که آقامحمدخان رونقش را برد.

آغامحمدخان حدود شانزده سال تحت‌الحفظ در دربار کریم‌خان زندگی می‌کند تا اینکه از آشفتنگی ناشی از وخامت حال شاه، بهره‌جسته، همراه برادرانش از منطقه فارس به‌سمت شمال می‌گریزد. با پیوستن گروهی از سران قاجار به او روزه‌روز بر قدرت وی افزوده می‌شود تا اینکه پس از فتح مازندران و شیراز، دیگر نقاط کشور را نیز مطیع خود می‌سازد. تنها جایی که قدرت او هنوز بر آن حاکم نشده‌است، خراسان و مشهد است، جایی که هنوز در سیطره نوادگان نادرشاه افشار است. او اوایل سال ۱۱۷۲ (یا ۱۲۷۳) قصد داشت پس از سرکوب طغیان ترکمانان استرآباد راهی مشهد شود و خراسان را تصرف کند، اما خبر شورش‌هایی در آذربایجان وی را بازمی‌گرداند. آغامحمدخان سرانجام پس از فراغت از دیگر نقاط در ۷ذی‌قعدة ۱۲۱۰(۲۵ اردیبهشت ۱۱۷۵ خورشیدی) از تهران به قصد فتح خراسان حرکت می‌کند. او هدفش از آمدن به مشهد را زیارت بارگاه امام‌زاده^(۱) و حفظ حرمت آن از دست‌اندازی‌های بی‌ان می‌کند و با پای پیاده وارد شهر می‌شود. اما روشن است که دلایل دیگری نیز در این حرکت نقش دارند. تاریخ، سرکوب ازبکان بخارا را دلیل این حرکت می‌داند، اما به نظر می‌رسد انتقام از بازماندگان خاندان افشار و تصاحب جواهرات نادرشاه، علت اصلی این لشکرکشی باشد. در مشهد اما جنگی رخ نمی‌دهد. شاه‌رخ‌شاه، نوه نایبانی نادرشاه که فقط یک سال و سه‌ماه بر ایران پادشاهی کرده‌است و بیش از ۴۵ سال بر مشهد حکومت، خود به پیشواز آغامحمدخان می‌رود و او این‌بار در قامت شاه ایران وارد شهر می‌شود.

مشروعیت مذهبی سلطنت نویای قاجار برای شاه مهم است، به همین دلیل توجه ویژه‌ای به حرم می‌کند و حتی به مدت ۲۳ روز به عبادت می‌پردازد و ندور زیادی هم میان مستمندان و سادات پخش می‌کند. در آن سو او کمر به نابودی نوادگان نادرشاه و تصرف جواهرات این خطه بسته‌است. بدبختی است که بعد از انقراض سلسله زندیه و بازگرداندن دوباره قفقاز به تابعیت ایران، حکومت‌خاندانی را برنمی‌تابد که بر او ظلم بزرگی روا داشته‌اند، ظلمی که تمام زندگی او را تحت‌تأثیر خود قرار داده بود. او ابتدا با شکنجه‌های بسیار، محل‌مانده‌های غنائمی که عادل‌شاه نادر به مشهد آورده بود، از زیر زبان شاه‌رخ‌شاه بیرون می‌کشد و تمام آن‌ها را به خزانه خود واریز می‌کند. اقدام دیگری که شاه قاجار درباره مشهد انجام می‌دهد، بی‌اعتبار کردن ساختار جغرافیایی حکومت قدیمی این خطه‌است. تخریب چهارباغ مشهد که یادگار دوره تیموری است و در دوره افشاریان به‌عنوان مرکز حکومت، توسعه فراوانی یافته‌است، یکی از این اقدامات است. او عمارت چهارباغ را از رونق می‌اندازد و از مرکزیت یک حکومت به‌ساختمانی در حد سکونت حاکم ولایت تنزیل می‌دهد. این‌گونه‌است که از سال ۱۱۸۲ خورشیدی به بعد، دیگر در ذکر وقایع شهر مشهد، نامی از عمارت حکومتی چهارباغ دیده نمی‌شود و از بنای دیگری به نام ارگ دولتی، صحبت به میان می‌آید، بنایی در جنوب‌غرب شهر و متصل به پاروی آن. ظاهرا ته‌مانده‌های عمارت باشکوه سلطنتی چهارباغ در سال ۱۲۵۰ هجری قمری(۱۲۱۳ خورشیدی) به‌طور کامل ویران می‌شود. آغامحمدخان همچنین دستور می‌دهد آرامگاه مجلل و زیبایی را که نادر برای خود در مجاورت چهارباغ ساخته و در آن دفن شده‌است، ویران کنند. باتوجه‌به کینه‌ای که شاه قاجار از نادرشاه و اولادش در دل دارد، سپس فرمان می‌دهد گور نادر را بییل بزنند و استخوان‌هایش را از خاک بیرون بکشند تا همراه استخوان‌های کریم‌خان زند در تهران وزیر پله کاخش دفن شود^(۱). این‌گونه‌است که مشهد در دومین حضور آغامحمدخان، علاوه‌بر چهارباغ و جواهرات نادری، رونق دوره افشاری را نیز از دست می‌دهد.

۱: استخوان‌های کریم‌خان زند در اواخر دوره قاجار از زیر یکی از پله‌های کاخ گلستان بیرون آورده شد، استخوان‌های نادر نیز در همین کاخ دفن شده بود هر چند که به دستور قوام‌السلطنه استخوان‌های نادر شاه از تهران به مشهد منتقل و در محل کنونی آرامگاه این‌شاه‌افشاری دفن شد.

پرتزراهی از آغا محمدخان قاجار. این اثر در سال ۱۲۱۰قمری مصادف با ۱۱۷۴ خورشیدی (۱۷۹۵ میلادی) و با تکنیک گواش و آب طلا روی کاغذ (در ابعاد ۱۷٫۵در ۱۱٫۵سانتی‌متر) نقش‌خورده‌است و اکنون در گنجینه‌حراجی، سانسینو، برناتیا نگهداری می‌شود. نکته در خور توجه این اثر سال خلق آن است که مربوط می‌شود به یک سال پیش از تاج‌گذاری این شاه قاجارخورده‌است.



است. ناگفته‌نماندکه سیاوش پس ازآنکه‌کشته می‌شود، بادهایی سخت برمی‌خیزد. پیچیدن بوته‌های گندم هم‌در‌اثر وزش بادهای موسمی شکل می‌گیرد؛ «یکی باد یا تیره‌گرد سیاه/بیامد سیه‌گرد خورشید و ماه». اهمیت بیشتر این آیین در آنجاست که گاه باغداران نیز چنین آیینی را برگزار می‌کنند و بر این باور هستند که سیاوش خود باغدار بوده‌است. این آیین امروز با آمدن دستگاه‌های

برگرفته از کتاب ،نیشابور، ابرشهر ایران، که اینک پانزده‌سالگی می‌شود منتظر چاپ است. نوشته‌که با یاری استاد فریدون جنیدی به سرانجام رسید.

مشهدیات

گفتارهایی در باب تاریخ و فرهنگ شهر بیشت(قسمت هفتادو هشتم) «وزیرنظام» و تلاش‌های عمرانی او در مشهد



مرضیه ترابی

مشهد در ابتدای دوران سلطنت ناصرالدین شاه، روزگار بدی را از سر می‌گذراند. شورش حسن‌خان سالار، شیرازه‌امور را ازهم‌پاشانده و اوضاع را در شهر بحرانی کرده بود. حسن‌خان، فرزند اللهیارخان آصف‌الدوله‌نونه‌دختری فتحعلی‌شاه‌قاجار، سودای حکومت داشت و بی‌میل نبود که خراسان را از ایران جدا کند. شورش سالار پنج سال طول کشید و روشن بود که در این مدت، چه آسیب‌گسترده‌ای به مشهد و زیرساخت‌های عمرانی، نظامی و تجاری آن وارد شد. شورش حسن‌خان، بالاخره با تمهیدات میرزاآق‌لی‌خان امیرکبیر، درهم شکست و مشهد، دوباره رنگ آسایش را دید. اما زمان لازم بود تا وضعیت به حال عادی برگردد. بازسازی شهر مشهد و ترمیم خرابی‌های فتنه سالار، چند سال طول کشید و تا پس از شهادت امیرکبیر نیز ادامه داشت. در این بین، خدمات برخی دولتمردان آن زمان، نقش مهمی در شتاب‌گیری این بازسازی ایفا کرد. یکی از این دولتمردان که مدتی به‌عنوان نایب‌التولیه آستان قدس رضوی در مشهد حضور داشت، میرزافضل... او... وزیرنظام بود.

- وزیرنظام، نایب‌التولیه می‌شود

گفتیم که با آغاز وزارت امیرکبیر، تحولات گسترده‌ای در اداره امور کشور به‌وجود آمد و در عرض چند سال، اوضاع به‌نحو مؤثری تغییر کرد. کارگزارانی که امیرکبیر برای انجام‌امور برگزیده‌بود، خواه‌ناخواه مجبور بودند در مسیر بازسازی کشور گام بردارند. این رویکرد به‌دلیل سخت‌گیری‌های امیرکبیر، چنان در بدنه مدیریتی کشور نهادینه شد که تا چند سال بعد از برکناری و کشته شدن وی نیز دوام آورد. یکی از کارگزارانی که در چنین فضایی، منشا خدمات بسیار شد و نام او را در فرازهای نخست این یادداشت آوردیم، میرزافضل... او وزیرنظام بود. وی در دوران امیرکبیر، سمت‌های گوناگون دولتی را تجربه کرد و حدود دو سال بعد از کشته شدن وی، در رمضان سال ۱۲۷۰قمری (خرداد سال ۱۲۳۳ خورشیدی) با سمت نایب‌التولیه آستان قدس رضوی وارد مشهد شد. به‌دلیل وابستگی وزیرنظام به دودمان میرزاآقاخان نوری، صدراعظم ناصرالدین‌شاه و طراح اصلی پروژه برکناری و به شهادت رساندن امیرکبیر، نگاه مورخان به میرزافضل... باوجود همه خدماتش، چندان مثبت نیست، درحالی‌که متهم کردن وی به‌دلیل انتساب به میرزاآقاخان، کاری پسندیده و منصفانه به نظر نمی‌رسد و ملاک سنجش شخصیت و خدمات یک فرد را، باید کارنامه او بدانیم و با رعایت انصاف، نیک و بد زندگانی وی را مستقل بررسی کنیم.

- پیش‌به‌سوی ترمیم و بازسازی

میرزافضل... او... وزیرنظام، حدود دو و سال نایب‌التولیه آستان قدس‌رضوی بود. زمانی‌که‌او‌برای‌انجام‌امور‌یش‌به‌مشهد‌رسید، این شهر به‌دلیل حواشی و اتفاقات ناشی از برکناری و قتل امیرکبیر و به‌بهر‌بخنگی اوضاع اداری، وضع چندان مطلوبی نداشت و این وضعیت نابسامان را باید بر مشکلاتی که همچنان از دوره شورش سالار در شهر باقی مانده بود، اضافه کنیم. وزیرنظام بلافاصله بعد از ورود به مشهد، دست به فعالیت‌های گسترده عمرانی زد. طبق گزارش فاضل بسطامی در «فردوس‌التواریخ»، وزیرنظام بعد از یک بازدید چندروزه از اماکن متبرکه و همین‌طور تأسیسات شهری مجاور آن، سیاه‌های از نیازهای عمرانی فوری تهیه کرد و به دستور وی، بلافاصله کار بازسازی را آغاز کردند. با مدیریت وزیرنظام، ابتدا سنگ فرش کل صحن‌های عتیق و نو به‌صورت کلی عوض شد. سنگ‌های قدیمی مسطح نبودند و زائران، به‌ویژه کسانی که سن بیشتری داشتند، برای راه رفتن روی آن با مشکل روبه‌رو می‌شدند. هم‌زمان، برخی خرابی‌ها که گفتیم از زمان شورش سالار همچنان باقی مانده بود، تعمیر و مرمت شد. سقاخانه صحن عتیق را که در وضعیت بدی قرار داشت، احیا کردند و برای تأمین آب موردنیاز مهمان‌سرای حضرتی، شعبه‌ای از قنات سناباد را به‌سمت آن بردند. صحن نو که درحال طی کردن مراحل پایانی تزیینات خود بود، نیز با پیشنهاد وزیرنظام، صاحب‌حوض بزرگی شد. همچنین گلدسته‌های مسجد گوهرشاد را که به‌دلیل برخی حوادث طبیعی و نیز، درگیری‌های نظامی دچار آسیب‌دیدگی شده بود، بازسازی و مرمت کردند. وزیرنظام که خود اهل مطالعه و تحقیق بود، درپی بازدید از کتابخانه، دستور سازمان‌دهی مجدد و تعمیر محل آن را صادر کرد و این کار، ظرف مدت کوتاهی به انجام رسید.

- ترمیم و توسعه بافت اطراف حرم مطهر

فعالیت‌های عمرانی وزیرنظام، به‌تعمیر اماکن‌متبرکه‌محدود‌نشد، او به‌زیباسازی فضای شهری مشهد و رونق فعالیت‌های اقتصادی در آن نیز، علاقه‌مند بود. با تدبیر او، کاروان‌سرای متروک، واقع در ضلع شمالی بالاخیابان را خراب کردند و به‌جای آن مغازه ساختند و اجاره دادند. درآمد حاصل از این اقدام، صرف تأمین روشنایی بیشتر برای حرم رضوی شد که به‌عقیده وزیرنظام، کم‌وکسری فراوانی داشت. وی بعد از بازدید از مسجد محراب‌خان -مسجدی از دوره صفویه که در راسته نوغان قرار داشت و به قولی، گنبدهای سه‌گانه آن از بیرون دروازه پیدا بود- دستور بازسازی و ترمیم این مسجد قدیمی را صادر کرد، اقدامی که می‌توانست نقش مهمی در چشم‌نوازی معماری و شهرسازی مشهد داشته باشد. وزیرنظام که ایجاد بازار را در رونق فعالیت‌های شهر و بهبود فضای کسب‌وکار بسیار مؤثر می‌دانست، زمینی را در حاشیه شمالی صحن عتیق به بازار فیروزه‌تراشان اختصاص داد و در ضلع جنوبی بالاخیابان، در مکان فعلی صحن جمهوری اسلامی، دست به ایجاد بازار بزرگی زد که بعدها به «سرای وزیرنظام» مشهور شد و تا اواسط دهه ۱۳۵۰ خورشیدی نیز بابرجا بود. افزون‌بر این‌ها، او دستور داد وضعیت ظاهری بالاخیابان و پایین‌خیابان را که به‌دلیل تصرفات غیرمجاز برخی کسبه و بی‌توجهی به وضعیت نهر و درختان اطراف آن اصلا شرایط خوبی نداشت، اصلاح کنند. به‌دنبال دستور وزیرنظام، از فضاهای اشغال شده اطراف نهر خیابان، رف‌ع‌تصرف‌شد و کناره‌های دو طرف خیابان را با استفاده از سنگ و ساروج، به شکل آبرومندی تزیین کردند. نکته‌جالب‌توجه در اقدامات وزیرنظام را باید توجه و تمرکز وی به هماهنگی میان بافت اطراف حرم رضوی با معماری و جایگاه حرم مطهر در شهر مشهد دانست، تغییرات، مرمت‌ها و توسعه‌های انجام‌گرفته، به‌تمامی‌در راستای تقویت ساختار سنتی و مبتنی بر فرهنگ و اقتصاد زیارت در بافت اطراف حرم مطهر رضوی بود. وزیرنظام، پیش از آنکه نتیجه فعالیت‌های خود را ببیند، در ذی‌القعدة سال ۱۲۷۲قمری (تیر سال ۱۲۳۵ خورشیدی) به پایتخت فراخوانده شد. او شانزده سال بعد، در ۱۲۵۱ خورشیدی، در تهران درگذشت.

شهر

اشبه

۲۸ خرداد ۱۴۰۴
۲۳ اردیبهشت ۱۴۴۴
شماره ۳۶۶۶

۱۵



تاریخ و هویت